



نویسنده: دیوید برومویچ «David Bromwich».

منبع و تاریخ نشر: انتی وار «2023-08-31».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل»

زندگی در یک سیاره جنگی

Living on a War Planet

و مدیریت عدم توجه

And Managing Not to Notice



یک جنگ جدید، یک حقایق جدید. وقتی به آخرین جنگ خود فکر می کنیم - جنگی که با حمله روسیه به اوکراین آغاز شد، تنها شش ماه پس از پایان فاجعه بار جنگ افغانستان ما - یک فایده پنهان وجود دارد. تا زمانی که ذهن آمریکایی ها معطوف اوکراین است، ما به اختلال در آب و هوای سیاره ای فکر نمی کنیم. این تکنیک حواس پرتی از مکانیسم آشنای که روانشناسان آن را جابجایی نامیده اند، تبعیت می کند یک فکر و احساس ظاهراً جدید جایگزین افکار و احساسات سخت تری می شود که خیلی دوست دارید از آنها دوری کنید.

هر خبر در مورد آخرین تقاضای رئیس جمهور اوکراین ولودیمیر زلنسکی برای تسلیحات آمریکایی یا اروپایی کارکرد دیگری نیز دارد: جابجایی داستانی در مورد مثلث آتش سوزی های کانادا که تابستان امسال جنگلی به وسعت ایالت آلاباما و 1000 جنگل از آن را ویران کرد. همچنان در حال سوختن هستند زیرا این مقاله به چاپ می رسد. البته، همیشه این احتمال وحشتناک وجود دارد که اوکراین از یک جنگ "محدود" به یک جنگ هسته ای خارج شود، همانطور که آتش سوزی های کانادا خارج از کنترل است یا این حال، ما مرتباً اطمینان داریم که درگیری، نزدیک به قلب اروپا، تحت نظارت دقیق است. جنگ یک شرور با قاب منظم دارد (ولادیمیر پوتین) و - به لطف ایالات متحده و ناتو - افراد خوب زیادی که او را در بر می گیرند. چه چیزی ممکن است اشتباه باشد؟

یک فانتزی در میان لیبرال های خوش نیت ریشه دوانده است. آنها معتقدند اوکراین همان "جنگ خوب" است که افرادی ما نند آنها از سال 1945 در جستجوی آن بوده اند. شنیده شده است که علاقه مندان جوان با اشاره به جنگ جمهوری خواهان اسپانیا علیه فاشیسم می گویند: "این اسپانیا ماست" در اوکراین در اوایل دهه 2020، برخلاف اسپانیا در اواخر دهه 1930، دموکراسی های آتلانتیک تزلزل نخواهند کرد، بلکه «تا زمانی که طول بکشد» ادامه خواهند داشت. همچنین، علت آب و هوا در این راه کمک خواهد شد، زیرا روسیه تا مین کننده بزرگ گاز طبیعی و نفت است و جهان باید خود را از هر دو جدا کند.

این نظریه یک سال پیش با خرابکاری زیر آب در خطوط لوله گاز طبیعی نورداستریم روسیه در دریای بالتیک مورد آزمایش قرار گرفت. **پرزیدنت بایدن، جیک سالیوان** مشاور امنیت ملی و **ویکتوریا نولند** معاون وزیر امور خارجه همگی از آن فاجعه زیست محیطی استقبال کردند. **رادیسلاو سیکورسکی**، وزیر خارجه سابق لهستان و مدافع جنگ، در پی می که در نهایت حذف شد، در توییتری از ایالات متحده به خاطر آنچه که او آن را یک عملیات شفاف آمریکایی دانست، تشکر کرد. با این حال، رسانه های آمریکایی این حمله را به عنوان یک راز غیرقابل تصور تلقی کردند، حتی برخی گزارش ها حاکی از آن است که روسیه ممکن است خط لوله ارزشمند خود را به دلایلی که هنوز مشخص نشده است، ویران کرده باشد. سپس، در مقاله ای در فوریه 2023، **سیمور هرش**، گزارشگر مستقل تحقیقی، رد حمله را به ایالات متحده داد و گزارش های غربی بعداً با اختصاص اعتبار به اوکراین یا یک گروه طرفدار اوکراین، در نیمه راه به نتیجه رسید. از اواخر تابستان، به نظر می رسد همه گزارش ها در مورد فاجعه Nordstream متوقف شده است. آنچه متوقف نشده است کشتار است. تعداد کشته ها و مجروحان جنگ اوکراین اکنون نزدیک به نیم میلیون نفر تخمین زده می شود که پایانی برای آن متصور نیست.

. تخریب نورد استریم تنها یک فاجعه جلب توجه در وحشت بزرگتری بود که یک جنگ همیشه وجود دارد یک اقدام خرابکاری صنعتی در مقیاس وسیع، همچنین یک عمل تروریستی زیست محیطی بود که باعث بزرگ ترین نشت متان در تاریخ سیاره زمین شد. طبق گزارشی در فوربس، «افزایش بعدی گازهای گلخانه‌ای... معادل ۳۲ درصد از انتشار سالانه دانمارک بود».

حمله روسیه به اوکراین یک اقدام غیرقانونی و غیراخلاقی بود، اما صفتی که معمولاً به دنبال غیرقانونی و غیراخلاقی است، "بی دلیل" است. در حقیقت، این جنگ برانگیخته شد. یکی از دلایلی که نادیده گرفتن آن غیرممکن است، گسترش **نا تو** به سمت شرق بود که همواره به مرزهای غربی روسیه نزدیکتر می شد، در سال های 1991 تا 2022. این گسترش تدریجی اما بی وقفه بود. نگاه چنین سیاستی به کشور را در نظر بگیرید - که دیگر کمونیستی نیست و به سختی قدرت بزرگی نیست - که در سال 2013، رهبران آمریکا دوباره شروع به توصیف آن به عنوان یک دشمن کردند.

با پایان جنگ سرد در سال 1991 (درگیری بسیار جهانی که دلیل وجود **نا تو** را به وجود آورد)، پیش بینی اتحاد به سمت شرق به طرز چشمگیری تسریع شد. مجارستان، لهستان و جمهوری چک که همگی اعضای سابق بلوک شوروی بودند، در سال 1999 به عضویت **نا تو** درآمدند. در سال 2004 شاهد برداشت غنی تری از ماهواره های سابق اتحاد جماهیر شوروی بود: بلغارستان، استونی، لتونی، لیتوانی، رومانی، اسلواکی، و اسلونی، که همگی نزدیک به روسیه یا هم مرز با روسیه بودند. سپس بیانیه اجلاس بخارست در آوریل 2008 آمد: سران **نا تو** اعلام کردند که گرجستان و اوکراین این فرصت را خواهند داشت تا در تاریخ آینده برای عضویت در **نا تو** درخواست دهند. اگر می خواهید بدانید که چرا **پوتین** و مشاورانش ممکن است این موضوع را یک نگرانی امنیتی برای روسیه بدانند، به نقشه نگاه کنید.

همبستگی قلبی

ایالات متحده از اوکراین با کمک های فراوان تسلیحات، آموزش دهنده های سرباز، و مشاوران لجستیکی و فنی که برای کار با تجهیزات هدف گیری قابل عملکردی که ما با آن کشور «به اشتراک می گذاریم» باقی مانده اند، حمایت کرده است. بین سال های 2014 تا 2022، ناتو حداقل 10000 سرباز اوکراینی را در سال در روش های پیشرفته جنگ تمرین می کرد. در خود جنگ، منابع تسلیحاتی به طور پیوسته از موشک های استینگر و جاولین به تانک های آبرامز (که ردپای محیطی گازهای گلخانه ای آنها 0.6 مایل در هر گالن گاز یا 300 گالن در هر هشت ساعت استفاده است) به بمب های خوشه ای و اخیراً افزایش یافته است. وعده F-1

همه اینها باد تازه ای را در بادبان سازندگان تسلیحات مجتمع نظامی-صنعتی-کنگره آمریکا قرار داده است. در ماه مه 2022، مدیرعامل **لاکهد** **مارتین** شخصاً از پرزیدنت **بایدن** به خاطر محبت او تشکر کرد. به هر حال اف-16ها پولسا زهای بزرگی هستند. در مورد سوخت اضافی که اوکراینی‌های معمولی به آن نیاز دارند، اکنون این سوخت توسط تاجران کالاهای اوکراینی در زیر زمین در معرض خطرات زیست‌محیطی بسیار زیاد است.

جنگ‌ها و تشدید آنها - تخریب دسته جمعی زندگی بشر که تقریباً همیشه با نابودی جهان طبیعی همراه است - به این دلیل اتفاق می‌افتد که آمادگی برای جنگ رهبران را بیش از پیش به لبه پرتگاه نزدیک می‌کند. در واقع آنقدر نزدیک است که ادامه دادن به نظر طبیعی است. این قطعاً در مورد روسیه، اوکراین و **نا تو** و تشدید تنش پس از آن صادق بود. نمونه‌هایی از این تشدید در واقع یک قاعده است، نه استثنا در زمان جنگ.

به اختراع، آزمایش و برنامه‌ریزی استراتژیک فکر کنید که منجر به پرتاب اولین بمب هسته‌ای در هیروشیما در 6 اوت 1945 شد. در مستند **جان الس روز** بعد از تثلیث، فیزیکدان **فریمن دایسون** تحلیلی هوشیارانه از حرکت حرکتی ارائه کرد. تصمیم برای استفاده از بمب:

«چرا بمب بر سر مردم هیروشیما انداخته شد؟ من می‌گویم: تقریباً اجتناب‌ناپذیر است که این اتفاق بیفتد - صرفاً به این دلیل که تمام دستگاه‌های بوروکراتیک تا آن زمان برای انجام آن وجود داشتند. نیروی هوایی آماده و منتظر بود. فرودگاه‌های بزرگی در جزیره تینیان در اقیانوس آرام آماده شده بود که می‌توانستید از آنجا پرواز کنید. تمام ماشین‌آلات آماده بود.»

به همین معنا، تمام دستگاه‌ها برای جنگ در اوکراین فراهم بود. **جو بایدن**، یک جنگجوی سرد معمولی، همیشه خلق و خوی مشا به رئیس‌جمهور **هری ترومن** داشته است. **بایدن** 2023، مانند **ترومن** 1945، تکانشی به نظر می‌رسد، نه عمدی. او دوست دارد پا پ بزند، فکر می‌کند به خاطر ریسک‌کردن از او قدردانی می‌شود، و خودش را تحت فشار به ویژه خوب می‌داند. این وضعیت ذهنی تا حدی دلیل تصمیم او برای لقب «جنایتکار جنگی» به **ولادیمیر پوتین** است. هرگز اهمیتی نمی‌دهیم که چنین توصیفی در مورد **جرج دبلیو بوش** و **دیک چنی** برای آغاز حمله به عراق در سال 2003 صادق باشد. جنگی که **بایدن**، به عنوان رئیس‌کمیته روابط خارجی سنا، بدون قید و شرط از آن حمایت کرد. اصرار او بر اینکه "این مرد **[پوتین]** نمی‌تواند به خاطر خدا در قدرت بماند" و اعتقاد او (از اواسط ژوئیه 2023) که "**پوتین** قبلاً جنگ را باخته است" همان الگوی اخلاق‌گرایی حقایق‌آشکار همراه با انکار ناخوشایند را نشان می‌دهد.

دیدگاه متفاوتی توسط **Anatol Lieven** در وب سایت **Responsible Statecraft** چنین ارائه شد.:

«بارها به ما گفته می شود که جنگ در اوکراین جنگی برای دفاع از دموکراسی و کمک به تا مین آن در سراسر جهان است به اجداد آمریکایی، فرانسوی و انگلیسی ما (و حتی روس ها، از مارس تا اکتبر 1917) نیز در مورد طرف متفقین در جنگ جهانی اول همین گفته شده است. کاملاً به این شکل پیش نرفت و هیچ چیز تضمین نمی کند که در اوکراین چنین اتفاقی بیفتد.»

در مورد اوکراین، چنین امیدهای واهی به مراتب آزادانه تر از سوی رسانه ها نسبت به ارتش مطرح شده است. جنگ یک ماده مخدر است و آنها دلالت آن را انتخاب کرده اند.

ایربراش (رنگ و پرداز دادن) توسط رسانه ها:

تبلیغات جنگ را می توان به روش های زیبا و همچنین محبوب ارائه کرد. نمونه بارز رویکرد قبلی، داستان صفحه اول نیویورک تایمز **راجر کوهن** در تاریخ 6 آگوست با عنوان «جنگ همیشگی پوتین» بر اساس دیدار اخیر بود. ("من یک ماه را در روسیه گذراندم.") هدف معذرت خواهی در اینجا در تیتل مورد تاکید قرار گرفته است، که عنوانی را که زمانی در مورد جنگ های فاجعه بار آمریکا در افغانستان و عراق به کار می رفت، برمی گزیند و به طرز حيله ای آن را به روسیه منتقل می کند. پوشش همگی در یک کلید است، بیش از شش صفحه کامل از روزنامه تایمز، با عکس های رنگی از مشوق ها، کلیساها، راه پله های تاریک، صفوف نظامی، مجسمه ها، مقبره ها، و مدل هایی که در یک عکس مد هستند.

کوهن از همان ابتدا صدای ناظر پیشگوی یک جنگ جدید را می پذیرد، حتی اگر آن را شبیه به جنگ قدیمی با اتحاد جماهیر شوروی می کند. او می نویسد: «در طول راه

«من با ترس و جنگ طلبی شدید و همچنین صبر سرسختانه برای دیدن یک جنگ طولانی مواجه شدم. دریافتم که *Homo sovieticus*، به دور از مرگ، به شکلی تغییر یافته، همراه با عادات انقیاد زندگی کرده است. بنا براین، با کمک تبلیغات بی امان در تلویزیون دولتی، کتاب بازی قدیمی پوتین - پول، اسطوره سازی و تهدید قتل - به تازگی باقی مانده است.»

نام پوتین با قاعده مندی زیادی در ادامه مقاله ظاهر می شود و وظیفه بیشتری را برای تحلیل و توضیح تاریخی انجام می دهد که عمدتاً وجود ندارد.

کوهن می نویسد: «من برای اولین بار چهار دهه پیش از مسکو دیدن کردم، زمانی که شهر خالی از رنگ های اصلی بود که در فقر کمونیسم وجود داشت. «اما مسکو تغییر کرده است و دلیل آن **پوتین** است: «او روسیه را باز کرد، فقط برای اینکه آن را به روی غرب ببندد. او همچنین آن را مدرن کرد، در حالی که موضوع را به گذشته روسیه

ناگسستن رها کرد بنابراین، در اینجا، ما نند بسیاری از روایت‌های غربی، مشکل فقط **پوتین** نیست، بلکه این واقعیت است که او مظهر کشوری عقب مانده و به طور طبیعی انتقام جو و گذشته غیرقابل با زگشت آن است. مردم روسیه گم شده اند و - به جز معدود مخالفان شجاع - به بدوی گرای، نوستالژی ناامیدکننده و البته پرخاشگری تسلیم شده اند. پوتین مظهر آنهاست او "

از سایه ها حکومت می کند" - فایده ای برای پرش از استعاره خون آشام - "بر خلاف **استالین** که پرتره اش همه جا بود. هیچ فرقه ای از رهبر نظام های فاشیست مهربان وجود ندارد با این حال راز خاصیت مغناطیسی خاص خود را دارد دامنه قدرت آقای **پوتین** همه را لمس می کند». به عبارت دیگر، کیش شخصیت بدون شخصیت یا نمایشی که متعلق به چنین فرقه ای است وجود دارد: «پوتینیسیم مجموعه ای پست مدرن از تضادها است. این نوستالژی شوروی را با سرمایه داری ما فیایی، وفاداری به کلیسای ارتدکس و گسترش خانواده های از هم گسیخته ترکیب می کند. نوشتن آن جملات در روسیه یک ماه طول نکشید. یک روز در نیویورک تایمز کافی بود.

میخائیل گورباچف رهبر شوروی سابق سرانجام به عنوان قهرمان این داستان ظاهر می شود. با این حال، هیچ جایی از **گورباچف** که بین سال های 2004 تا 2018، 8 مقاله به نیویورک تایمز ارائه کرد، نقل قول نمی شود، که ششمین آنها بر تغییرات آب و هوایی متمرکز بود و هشتمین آن بر تجدید خطرناک مسابقه تسلیحات هسته ای تمرکز داشت. **گورباچف** از تصمیم جورج **دبلیو بوش** برای خروج از معاهده موشک های ضد بالستی 1972 (که پوتین آن را "اشتباه" نامید) و تصمیم مشا به **دونالد ترامپ** برای خروج از پیمان منع موشک های هسته ای میان برد به شدت نگران بود. آیا کسی شک دارد که **گورباچف** از قطع مجازی روابط دیپلماتیک دولت **بایدن** با روسیه به همان اندازه آشفته می شد؟

گورباچف در مقاله ای در 25 اکتبر 2018، گرایش آمریکا را در طول دو دهه گذشته خلاصه کرد: «ایالات متحده در واقع ابتکار عمل را در نابودی کل سیستم معاهدات و توافقات بین المللی که به عنوان زیربنای زیربنایی عمل می کردند، به دست گرفته است. صلح و امنیت پس از جنگ جهانی دوم توجه داشته باشید که «ابتکار» ستیزه جویانه آمریکا خیلی قبل از صعود **ولادیمیر پوتین** آغاز شد و به گفته **گورباچف**، ما نند گسترش **نا تو**، دارای پویایی بود که مستقل از تحولات داخل روسیه عمل می کرد.

بازگشت به زمین

خبر مهم تابستان، علاوه بر عدم موفقیت آشکار ضدحمله اوکراین، لغو ناگهانی قرارداد غلات دریای سیاه توسط روسیه بود - تصمیمی که تا حدودی با حمله هواپیمای بدون سرنشین اوکراینی در 17 ژوئیه به پل کرچ انجام شد. این پلی است که پس از الحاق کریمه به روسیه در سال 2014، روسیه را به کریمه متصل می کند. و حمله هواپیمای

بدون سرنشین بخشی از تلاش مستمر اوکراین و ناتو برای تضعیف - از طریق تحریم‌ها، از جمله ابزارهای دیگر - صادرات غلات روسیه بود. یک گزارش معمولی رسانه‌های غربی در مورد این تحولات در واشنگتن پست از ارتباط دادن این دو رویداد خودداری کرد. گویی حمله اوکراین به طور تصادفی «ساعتی قبل» از فسخ قرارداد روسیه و حملات خود به تأسیسات ذخیره غلات اوکراین رخ داده است. از رویدادها به عنوان «تحولات دوقلو» یاد می‌شود و بس.

در مقاله‌ای اخیر در TomDispatch، مایکل کلر شرم عمومی را یادآوری کرد که هرگز به درستی به شرکت‌های انرژی ایالات متحده برای «تداوم شیوه‌های شناخته شده برای تسریع تغییرات آب‌وهوایی و ویرانی جهانی» وارد نشد. تصمیم مدیران ارشد شرکت اکسون موبیل - بزرگترین و ثروتمندترین شرکت نفتی خصوصی جهان - برای ادامه پمپاژ نفت و گاز برای دهه‌های بی‌پایان، پس از هشدار دانشمندان شان در مورد خطرات گرمایش جهانی، از جمله فاجعه‌آمیزترین آنهاست. همانطور که کلر به درستی اشاره می‌کند، چنین بی‌تفاوتی زیست‌محیطی مدت‌ها پس از شناسایی واقعیت اختلالات آب و هوایی توسط آلاینده‌ها ادامه یافت. انتخاب تداوم عادت جنگی کم‌تر غیرمسئولانه نبوده است، حتی با توجه به نقش جدایی‌ناپذیر جنگ‌ها در نابودی کره زمین. جنگ اوکراین توسط روسیه در یک اپورتونیزم وحشیانه کوتاه مدت راه اندازی شد، اما همچنین توسط ایالات متحده به عنوان یکی از سلسله جنگ‌های طولانی و عملیات تغییر رژیم که قرار بود رهبری بلامنازع را به ایالات متحده بدهد تحریک شد. جهان تک‌قطبی.

همه ما اکنون در یک سیاره جنگی زندگی می‌کنیم که به روش‌های ویرانگر دیگری نیز تهدید می‌شود. فرار ما از طریق یک نظم بین‌المللی جدید «مبتنی بر هنجارها» که در آن **نا تو**، با در راس ایالات متحده، جایگزین سازمان ملل به عنوان مرجع جهانی جنگ و صلح شود، محقق نخواهد شد. «جنگ بعدی در افق»، چه در دریای بالئیک، چه در خلیج فارس و چه در تایوان، برای شهروندانی که ممکن است چیزی بخواهند جز اینکه به عنوان میدان تمرین این کشور عمل کنند، بسیار مورد توجه است. در همین حال، درس برای ایالات متحده باید به اندازه کافی ساده باشد: بقای این سیاره نمی‌تواند منتظر باشد تا آخرین ابرقدرت جهان تجارت بی‌پایان ما در جنگ را تکمیل کند.

چند سطری در مورد نویسنده این مقاله :

دیوید بروموویچ، یکی از اعضای عادی TomDispatch، ویراستار منتخبی از سخنرانی‌های ادموند برک، درباره امپراتوری، آزادی، و اصلاحات است، درباره قانون اساسی و جنگ‌های آمریکا برای The New York Review of Books و The Huffington Post نوشته است. شکست آمریکایی‌ها: سال‌های ترامپ و چگونگی آنها بر ما 1 سپتامبر 2023

----- **با تقدیم احترامات «2023-09-01»**

مقاله دوم باز هم به ارتباط جنگ

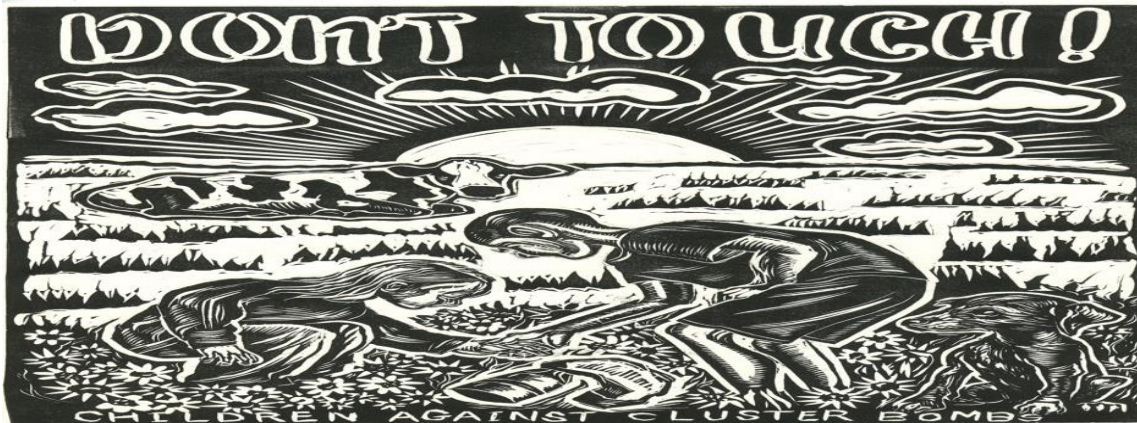
نویسنده: ستیفن اف آیزن من «Stephen F Eisenman»

منبع و تاریخ نشر: کونتر پانچ «2023-09-01».

برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

برخی از مردم از من به نسبت نوشتن این که این
جنگ را پایان دهید متفر خواهند شد

**Some People Will Hate Me for Writing This: End
the War!**



Don't Touch, Sue Coe, 2023. با حسن نیت از هنرمند.

طرد شدن من

من برای اولین بار در 25 فوریه 2022 در مورد جنگ روسیه علیه اوکراین برای کانترپانچ نوشتم. من با انتقاد از **پوتین** به دلیل راه اندازی حمله رعد اسا درست زمانی شروع کردم که رهبران اروپایی در نهایت به نظر میرسد آماده رسیدگی به نگرانی های امنیتی مشروع روسیه هستند. سپس، تاریخ دوگانگی ایالات متحده و **ناتو** بر سر گسترش اتحاد را بازگو کردم. من کمی منحرف شدم تا سرعت پرتاب توپ های قدیمی و ضد شوروی توسط سخنگویان و کارشناسان پنتاگون و وزارت امور خارجه را توصیف کنم

و با پیشنهادی متواضعانه برای صلح به پایان رسیدم. تعهد اوکراین برای بی طرفی، خروج نیروهای روسی و سلاح های سنگین از صحنه جنگ، عقب نشینی نیروهای **نا تو** از مناطق مرزی روسیه، و احیای مذاکرات ایالات متحده و روسیه بر سر نیروهای هسته ای میان برد و استارت، پیمان کاهش تسلیحات هسته ای تهاجمی به خاطر مشکلاتم، توسط یک رادیکال و دوست برجسته هنری نیویورکی (که بی نام باقی خواهد ماند) و بسیاری از رفقای او (و نه همه) محکوم شد م. سرزنش من محاکمه نمایی در مسکو نبود، اما همچنان احساس طردویابه حاشه رانده شدن در دناک است. جنگ گروهی از لیبرال ها، سوسیالیست ها و همسفران را از هم جدا کرده است. با این وجود، من دوباره می روم، بیش از 18 ماه بعد.

هزینه های جنگ

جنگ روسیه علیه اوکراین بیش از 18 ماه است که ادامه دارد و منجر به تلفات بیش از 500000 نفر از جمله تقریباً 200000 کشته از هر دو طرف شده است. شروع کردم به نوشتن «تقریباً غیر قابل باور است»، اما سپس به میزان تلفات سایر جنگ های اخیر، مانند جنگی که در عراق پس از تهاجم ایالات متحده در سال 2003 رخ داد، فکر کردم.

هزینه بازسازی زیرساخت های اوکراین در مارس گذشته 411 میلیارد دلار برآورد شد و احتمالاً اکنون بسیار بیشتر است. جنگ هفت میلیون اوکراینی را به فقر کشانده و بیش از شش میلیون پناهنده ایجاد کرده است. 17 میلیون نفر به کمک های بشردوستانه نیاز دارند.

روسیه جدا از 100000 کشته جنگی خود - بیشتر از مجموع متحمل شدن ایالات متحده در ویتنام، افغانستان و عراق - به اندازه اوکراین آسیب ندیده است. به هر حال، جنگ در قلمرو آن در حال انجام نیست (به استثنای چند حمله پهپاد با سوزن سوزن) یا این وجود، اقتصاد روسیه در سال گذشته 2 درصد کوچک شد و امسال تنها حدود 1.5 درصد رشد خواهد کرد. کسری بودجه بسیار زیادی ایجاد کرده است و از بسیاری از سیستم مالی جهانی خارج شده است. ملت مجبور شد 300000 نیروی ذخیره بی انگیزه را برای جنگ بسیج کند و حدود 900000 جوان و تحصیلکرده را به تبعید از دست داد. هزاران نفر دیگر از جمله مخالفان برجسته ای مانند **بوریس کاگار لیتسکی** به دلیل مقاومت در برابر جنگ زندانی شده اند. **پوتین** ممکن است تبعید و پاکسازی را به عنوان پاداش در نظر بگیرد - او اکنون منتقدان کمتری دارد - اما رتبه های درخشان ترین و مبتکرترین افراد کشور اکنون کاهش یافته است. اعتراض ادامه دارد، اما به صورت مخفیانه تبدیل شده است، نبرد رمزها و میم ها.

روسیه تا حدی برای جلوگیری از گسترش **نا تو** به اوکراین حمله کرد، اما این جنگ تأثیری بر رشد و تقویت سازمان دوران جنگ سرد داشته است. سوئد و فنلاند در ماه

آوریل به **نا تو** پیوستند. (این دومی بیش از 800 مایل مرز با روسیه دارد.) نشان داده شده است که قدرت نظامی روسیه یک ببر کاغذی است که قادر به شکست سریع کشوری 28 برابر کوچکتر از نظر جغرافیایی، چهار برابر کوچکتر از نظر جمعیت و با بودجه نظامی 10/1 به عنوان بزرگ، **پوتین** از یک کودتا جان سالم به در برد، اما نه به راحتی، و به یک منفرد جهانی تبدیل شده است، به عنوان مثال، از ترس دستگیری نمی تواند در اجلاس اخیر BRIC در آفریقای جنوبی شرکت کند. مهم نیست که چگونه به پایان می رسد، جنگ برای **پوتین** موفقیت آمیز خواهد بود.

روسیه و اوکراین به تنهایی جنگ را متوقف نخواهند کرد.

هر دو کشور در حال شکست هستند، اما هیچ یک از جنگ دست نمی کشند. آنها در بن بست خونینی گیر کرده اند که هیچ مسیر روشنی برای پیروزی و هیچ انگیزه ای برای مذاکره وجود ندارد. آنها خون و گنج بسیار زیادی را متعهد شده اند - و سرمایه سیاسی زیادی را خرج کرده اند تا به خواسته های دیگری بپردازند. امتیازات بزرگ هر دو طرف باعث سقوط سیاسی رهبران آنها می شود.

روسیه از اوکراین می خواهد که با آتش بس موافقت کند و به دنبال آن اعلامیه بی طرفی در قانون اساسی این کشور درج شده است. آنها همچنین از اوکراین می خواهند که حاکمیت روسیه بر کریمه و به رسمیت شناختن دونتسک و لوگانسک (در مجموع، دونباس) را به عنوان کشورهای مستقل که احتمالاً متحد روسیه هستند، بپذیرد. **زلنسکی**، رئیس جمهور اوکراین اخیراً طرحی 10 ماده ای برای صلح صادر کرده است که شامل تضمین ایمنی نیروگاه های هسته ای، خروج نیروهای روسیه، بازگشت اسیران جنگی و کودکان ربوده شده، تضمین های امنیتی و تسلیم تمام زمین های تصرف شده از جمله ... منطقه دونباس و احتمالاً کریمه. **زلنسکی** آخرین خواسته را «غیرقابل مذاکره» توصیف کرد که در زبان مذاکره به این معناست که چنین است. اما این یک نی نازک است که می توان وزنه سنگین مذاکره را بر آن آویزان کرد. همانطور که اوضاع اکنون پیش می رود، احتمالاً جنگ به طور نامحدود یا حداقل تا زمانی که اوکراین با کمبود پول، اسلحه و نیروی انسانی روبه رو شود، ادامه خواهد داشت. روسیه با ذخیره عظیم سربازان، تسلیحات و پول نفت خود، تا زمانی که به ظاهری از پیروزی دست یابد، یا تا زمانی که هزینه ها آنقدر زیاد شود که **پوتین** سرنگون شود و رهبر معتدل تری روی کار بیاید، به مبارزه ادامه خواهد داد. (اگر حتی چنین شخصی در مقام رهبری باشد).

چه کسی جنگ را متوقف خواهد کرد؟

تنها نهادهایی که در حال حاضر می توانند جنگ را متوقف کنند چین و ایالات متحده هستند. چین مانند برادر یا خواهر بزرگ روسیه است. اقتصاد آن چهار برابر بزرگتر است، ارتش آن از نظر پرسنل بسیار بزرگتر است، کشاورزی آن مولدتر است، و توسعه تکنولوژیکی آن پیشرفته تر است. چین بزرگترین شریک تجاری روسیه و بزرگترین

بازار نفت و سایر سوخت های فسیلی روسیه است. دومی راه نجاتی برای **پوتین** بوده است. اگر **شی جین پینگ** رئیس جمهور چین برای پایان دادن به جنگ بر **پوتین** فشار بیاورد یا واردات نفت را قطع یا محدود کند، جنگ پایان خواهد یافت. متأسفانه انگیزه کمی برای انجام این کارها دارد. چین نفت روسیه را با تخفیف خریداری می کند و جنگ تمرکز ایالات متحده را از «محور آسیا بی» که در اولین دولت اوباما/ بایدن افتتاح شد، منحرف می کند. چین همچنین ممکن است امیدوار باشد که در ازای مداخله دیپلماتیک در جنگ، از ایالات متحده منافع تجاری و سایر منافع کسب کند. تا کنون، ایالات متحده هیچ پیشنهادی نکرده است، حداقل به صورت علنی - که احمقانه است، مگر اینکه هدف شما طولانی کردن جنگ باشد.

این امر به ایالات متحده واگذار می شود. همه ما دلایلی را که برای توقف جنگ انتخاب نکرده است می دانیم: (1) چشم انداز خوشحال کننده از بین بردن یک رقیب اصلی ژئوپلیتیک در قلب اوراسیا (2). سود کلان به دست آمده توسط بخش های مرتبط با تسلیحات، هوافضا و سوخت های فسیلی (3). تمایل به تأیید مجدد سلطه ایالات متحده بر اتحادیه اروپا و شرکای ناتو؛ (4) نشان دادن به چین مبنی بر اینکه اگر بخواهد تایوان را ضمیمه کند، مانند روسیه که اوکراین را ضمیمه کرد، هزینه بالایی خواهد پرداخت. (تفاوت در اینجا این است که تایوان، طبق قوانین بین المللی، بخشی از چین است - "یک کشور، دو دولت") و (5) دنبال واهی تک قطبی پس از جنگ سرد است، این ایده که هیچ جایگزینی برای سیاست ایالات متحده وجود ندارد. و هژمونی اقتصادی همه این گزاره ها با تناقض و خودفریبی دویده شده اند. آنها عمیقاً ایدئولوژیک هستند، به همین دلیل است که از بین بردن آنها بسیار دشوار است.

اما دلایل خوب و منفعت طلبانه ای نیز برای تشویق ایالات متحده به پایان جنگ وجود دارد که از جمله آن ها میل جو بایدن و دموکرات ها برای انکار جمهوری خواهان در موضوع سال انتخابات است: باتلاق جنگ بی پایان و هزینه های بی حد و حصر خارجی یکی دیگر از دلایل ایالات متحده برای فشار آوردن به توافقی از طریق مذاکره، تمایل به یافتن پایانی برای جنگ قبل از شکست اوکراین است. (سرزنش عمومی اوکراین در مورد استراتژی جنگ ممکن است تلاشی از سوی دولت **بایدن** برای مقصر دانستن شکست به گردن متحدش باشد، نه خودش - تمرینی برای سرزنش قربانی). در نهایت، - مسلماً در لیست پایین تر - دلایل فداکاری وجود دارد. پایان دادن به جنگ در حال حاضر: (1) هزینه هنگفت جان اوکراینی ها و روس ها که قبلاً ذکر شد، و تلفاتی که هنوز در راه است (مهمات خوشه ای روسیه و ایالات متحده برای چندین دهه ادامه خواهند داشت) (2) خطر درگیری هسته ای، و (3) تلفات جنگ در مورد محیط زیست و انحراف توجه آن از مبارزه بزرگ علیه گرمایش جهانی.

در اینجا بخشی است که باعث ایجاد نامه های نفرت میشود.

ایالات متحده باید زلنسکی را تحت فشار قرار دهد تا نشان دهد که مایل است برای صلح امتیاز بدهد. با پیروزی واقعی یک امید بیهوده، هیچ جایگزین دیگری وجود

ندارد جنگ همیشه یک کار احمقانه بود - برای هر دو طرف. همانطور که قبلاً در اینجا بحث کرده‌ام، می‌توانست قبل از شروع، یا یک روز، ماه یا سال بعد - و با همان شرایط: زمین برای صلح متوقف شود. به روس‌ها در ازای خروج نظامی، به رسمیت شناختن حاکمیت اوکراین، پیمان عدم تجاوز متقابل، ضمانت‌های امنیتی شخص ثالث (سازمان ملل یا ناتو) و توافق آمریکا برای خروج تدریجی، آنچه قبلاً دارند - کریمه و بخشی از دونباس - داده می‌شود. کاهش تحریم‌ها علیه روسیه منتقدان می‌پرسند: "چرا اوکراین باید هر منطقه‌ای را به روسیه واگذار کند - آیا این تجاوز پاداش دهنده نیست؟" پاسخ این است: «بله، اما این هزینه بقای اوکراین و پیش شرط بازسازی آن است. و حتی اگر فکر می‌کنید که اوکراین باید تا آخرین نفر خود برای تمامیت ارضی کامل خود بجنگد، چرا ایالات متحده باید از این اهداف حداکثری حمایت کند؟ اظهارات جوجه‌هاک‌های آمریکایی مانند تیموتی اسنایدر مبنی بر اینکه پوتین هیتلر است که در مرحله بعدی لهستان یا سایر کشورهای ناتو را تصرف خواهند کرد، در آغاز جنگ مضحک بود و اکنون که ضعف نظامی روسیه آشکار شده است، پوچ‌تر بود.

تا همین اواخر، تعداد کمی از آمریکایی‌ها حتی نام دونباس را شنیده بودند، بسیار کمتر می‌توانستند آن را روی نقشه پیدا کنند. و با این حال این چیزی است که جنگ به آن رسیده است. با توجه به سابقه مداخلات خارجی ایالات متحده، اعتراض به حرمت حاکمیت ملی در نهایت ریاکارانه است. اما بدتر از نادرستی، آنها یک اشتباه هستند. جنگ توسط اوکراین و ایالات متحده نمی‌تواند برنده شود، حداقل نه با هزینه‌ای که وجدان است، و بنابراین باید به سرعت پایان یابد. برای این که این اتفاق بیفتد، چپ آمریکا باید پیمان خود را با لیبرال‌های جنگ سرد کنار بگذارد و شروع به انجام کاری کند که در طول تاریخ انجام داده است: مبارزه برای پایان دادن به امپریالیسم و مداخلات نظامی ایالات متحده، از جمله مداخله فعلی. علاوه بر این، باید برای حذف تسلیحات هسته‌ای فشار بیاورد و در حمایت از یک سیاره قابل زندگی و اقتصادی مبتنی بر رضای نیازهای واقعی انسان، نه غنی‌سازی عده معدودی، سازماندهی کند. حداقل در مورد این اهداف آخر، امیدوارم رفقای قدیمی من در نیویورک همچنان موافق باشند.

چند سطر در مورد نویسنده این مقاله :

استفان اف. آیزنمن، استاد بازنشسته تاریخ هنر در دانشگاه نورث وسترن و نویسنده کتاب دامن گوگن (تیمز و هادسون، 1997)، اثر ابوقریب (ریاکشن، 2007)، فریاد طبیعت: هنر و ساختن حقوق حیوانات (Reaktion)، 2015 (و کتاب‌های دیگر). او همچنین یکی از بنیانگذاران سازمان غیرانتفاعی عدالت محیطی، Anthropocene Alliance است. او و هنرمندی به نام سو کو به تازگی کتاب فاشیسم آمریکایی را منتشر کرده‌اند، هنوز برای روتلند مطبوعات می‌توان با او در این آدرس تماس گرفت: s-eisenman@northwestern.edu

با تقدیم احترامات «2023-09-01»

